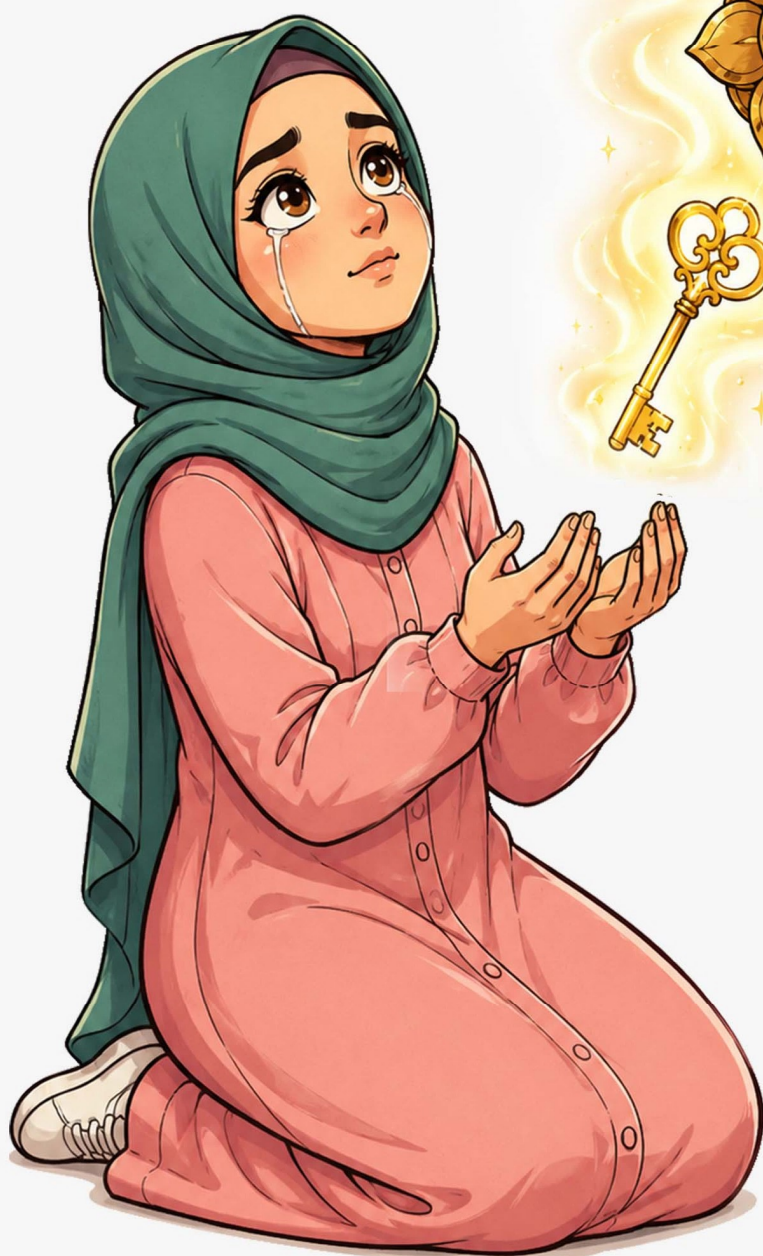


۶

برنامۀ مستطیر

قله نزدیکه

Borna.montazer.ir



آخه

از گریه و زاری

که کاری برنمیدار

استغاثه

تحراره کدوم

مشکل هامون

روحل کنه؟

■ آخه از گریه وزاری که کاری برنمیاد، استغاثه قراره کدوم مشکل هامون رو حل کنه؟



■ با استغاثه به کجا می‌رسیم؟ چرا می‌گن استغاثه کلید ظهوره؟ یعنی خدا ما رو با این همه درد و بلا و مشکل و مصیبت ول کرده و حواسش بهمون نیست؟ چی میشه که بعضیا جواب درخواست‌هاشون رو از خدا فوری می‌گیرن و بقیه نه؟ اگه قراره یه جوری خودمون رو از گرفتاری‌ها و مصیبت‌هایی که واسمون پیش میاد رها کنیم، راهش چیه و با استغاثه به کجا می‌رسیم؟ اصلا مگه از گریه و زاری کاری برمیاد که دلمون رو به استغاثه خوش کردیم؟

تنها کلید نجات



هولوی ویدئو

QR کد را اسکن کنید.



خب اگه فکر کردیم فقط ماییم که توی زندگی با شرایط سخت و عجیب غریب رو به رو میشیم که امانمون رو میبره و نفسمون رو گرفته، لابد یا تاریخ رو درست نخوندیم، یا دینی مون خیلی ضعیفه! چون کافیه یه چرخه توی تاریخ بزنیم تا ببینیم شرایط اضطرار و درموندگی اصلا چیز تازه‌ای نیست! یعنی حداقل خود خدا قصه کلی از بنده‌هاش رو واسمون مثال زده که غرق مصیبت بودن! اما با یه تفاوت! اونم اینکه مشکلشون حل شده و گشایش و فرج توی کارشون اتفاق افتاده! خدایش دیگه ما هر چقدر هم مستاصل و درمونده شده باشیم، نه تا حالا توی شکم ماهی گیر افتادیم و نه همه عالم واسه نابودی ما دست به دست هم دادن! ولی خب هر چیزی راه و رسم و مسیر خودش رو داره و اگه به جای راه خودش، دنبال کارهای من درآوردی بریم، معلومه که به مقصد نمی‌رسیم!



دلم لرزید ...

من همه‌ی راه‌ها رو رفته بودم؛ آلا
راه آسمون!



QR کد را اسکن کنید.

پس چرا به نتیجه نمی‌رسیم؟

میدونین چیه، برای رسیدن به هر نتیجه‌ای باید از راه درستش وارد شد. خیلی وقتا مشکل از این نیست که مقصد وجود نداره؛ مشکل اینه که ما جاده اشتباهی رو واسه رسیدن انتخاب کردیم. کسی که برای رفتن به مشهد، جاده بندرعباس رو انتخاب کنه، هرچقدر هم که با سرعت بره و ماشینش خوب باشه، آخرش به مشهد نمی‌رسه. چرا؟ چون اصل مسیر اشتباهه! حالا ما هم بعضی وقتا توی زندگی دقیقا همین کار رو می‌کنیم؛ یعنی با تمام توان تلاشمون رو می‌کنیم، اما توی یه مسیر غلط. بعدش هم تعجب می‌کنیم که چرا نتیجه نگرفتیم! اونم نه به خاطر اینکه آدم بدبختی هستیم، یا همه عالم باهامون لج کرده؛ فقط به این دلیل که راه اشتباهی رو واسه رسیدن انتخاب کردیم! یعنی ما به همون میزانی که به جای خدا نقش غیرخدا

قله نزدیکه ۶

رو واسه رسیدن به نتیجه مهم بدونیم، خدا هم به حال خودمون واگذارمون میکنه و احتمال پیروزی مون هم میاد پایین! حالا درسته که اسباب و عللی که خدا واسمون گذاشته، برامون محترمه؛ ولی خب جز خدا که هیچ موثری توی این عالم نیست! اصلا خود خدا گفته که هرچی میخوایم رو باید از خودش یا واسطه‌هایی که واسمون فرستاده بگیریم!

■ **اگه بهش برسی....!**



QR کد را اسکن کنید.

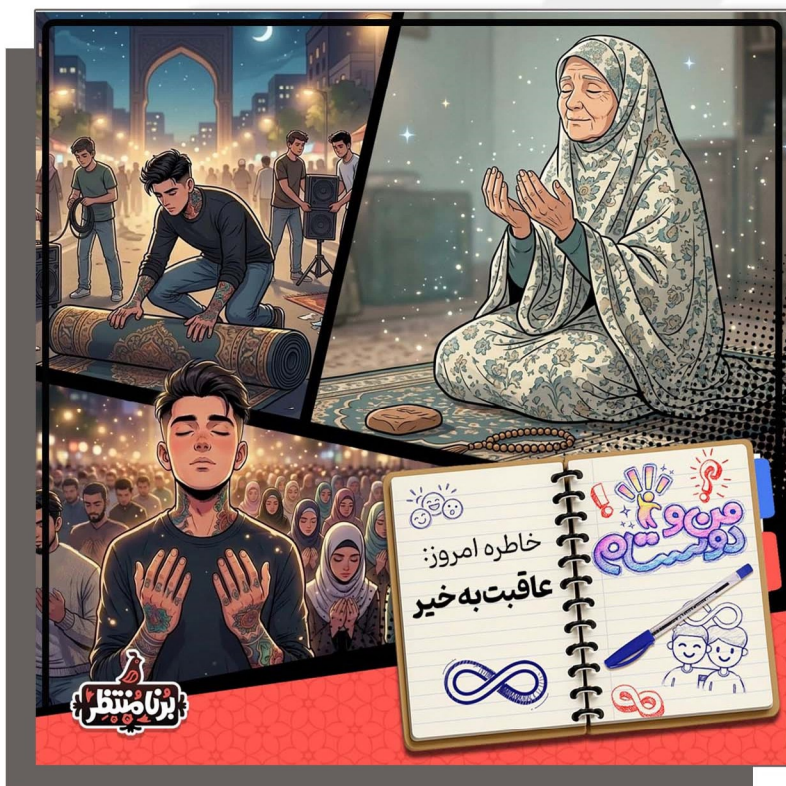


■ **ما استغاثه رو بلد نیستیم!**

واقعیت اینه که ما استغاثه رو درک نکردیم؛ وگرنه خدا مثال خیلی از مردم و پیامبرها رو توی قرآن واسمون زده تا بفهمیم تنها راه رسیدن به گشایش استغاثه است. چرا؟ چون دست خالی رفتیم جلوی کسیکه همه کاره عالمه و بهش می‌گیم چیزی نداریم! خب غیر از خدایی که رحمان و رحیمه کی می‌خواد به فریاد بنده بی‌کسش برسه؟ بالاخره فرق میکنه بین کسیکه با نهایت درد و اضطرار به خدا التماس میکنه و اونیکه ته دلش می‌گه بالاخره خودم یه جوری حلش می‌کنم! اتفاقاتی هم که توی شرایط مختلف واسه انبیا افتاده شوخی نبوده، ولی خب اونا می‌دونستن

قله نزديكه ٦

تنها راه نجات از اين وضعيت استغاثه و کمک خواستن به خداييه که تمام عالم دست خودشه! مثل حضرت ايوب عليه السلام که بعد از اون همه بلا و مريضی و مصيبت به خدا استغاثه کرد و خدا دوباره نعمت ها رو بهش برگردوند. يا قوم حضرت يونس که واسه برگشتن پيغمبرشون توی بيابون جمع شدن و به خدا استغاثه کردن تا خدا حضرت يونس عليه السلام رو بهشون برگردوند. يا قوم بني اسرائيل که به خاطر استغاثه صد و هفتاد سال از عذابشون کم شد. يا مسلمون هايی که توی جنگ بدر با تعداد کم و دست خالی جلوی کفار قرار گرفتن و با فرشته ها امداد شدن و به پیروزی رسيدن. خب خدا که اين مثال ها رو بيخودی و بدون حکمت واسمون نزده! اين رو گفته تا بدونيم هر وقت به ته خط رسيديم و فکر کرديم ديگه راهی نيست، اتفاقا به فرج و گشايش نزديک ترим.



● لنز رو آروم بالاتر آوردم و روی صورتش ثابت کردم؛ باورم نمی شد خودش باشه!



QR کد را اسکن کنید.

■ شرط استغاثه چه؟

حالا که فهمیدیم راه گشایش استغاثه است، پس چرا هنوز فرجی نشده و اماممون نیومده؟ میدونین فهمیدن اینکه استغاثه دواي دردمونه یه چیزه و درست استغاثه کردن یه چیز دیگه! یعنی همون جور که با حلوا حلوا کردن دهن شیرین نمیشه، با ادای استغاثه رو درآوردن هم به جایی نمی‌رسیم. اصلا استغاثه یه شرطی داره که تا محقق نشه، به استغاثه واقعی و درست و حسابی نمی‌رسیم! اونم اینکه واقعا کارد به استخونمون رسیده باشه و درد داشته باشیم. حالا یا انقدری عرضه داریم و به رحمانیت و مهربونی رسیدیم که با درد آدمای اطرافمون ما هم درد می‌کشیم و به استغاثه میفتیم، یا خدا شرایط رو برامون طوری رقم میزنه که به اضطرار و استغاثه بیفتیم.

چرا استغاثه‌مون واسه اومدن

امام هنوز به جایی نرسیده؟

ما یا بادرک شرایط، ...
خودمون به اضطرار می‌رسیم،

یا خدا شرایط رو طوری
پیش میبره
که ما رو به اضطرار برسونه!

+ استغاثه‌های ما

از روی درد واقعی نبوده!

+ ادای درد داشتن، با رسیدن به

اضطرار واقعی فرق داره!

برنا منتظر

■ چجوری به درد برسیم؟

خب طبیعیه کسی که مُسکَن زده و گرفته خوابیده، هیچ دردی رو احساس نمی‌کنه! ما قبل از هر چیز واسه فهمیدن درد لازمه که بیدار باشیم! چون فقط یه قلب بیداره که درد خودش و بقیه رو می‌فهمه! یه قلب بیداره که غم بقیه رو غم خودش میدونه! چون به رحمانیت رسیده و بین خودش با بقیه فرقی حس نمی‌کنه! فقط یه قلب بیداره که میدونه این همه درد و مصیبت و بلا، از نبود متخصص معصوم و امامه و تنها کسیکه میتونه این عالم رو نجات بده، خود امامه! واسه همین هم برای اومدن امام به اضطرار و استغاثه واقعی میفته! چون درد نبود امام و غم بچه‌های امام آزارش میده و کارد رو به استخونش رسونده! حالا اگه میخوای بدونی چجوری باید به این درد و اضطرار بررسی و واسه اومدن امام یه استغاثه واقعی داشته باشی، به چراغ دل بده!

■ چراغ



Qr کد را اسکن کنید.

Borna.montazer.ir

.....